

میلاَد ضیاء دانش‌آموختهٔ معماری و طراحی شهری، در ایران در دانشگاه هنر اصفهان درس خوانده‌است. او تحصیلات خود را در عرصه بین‌المللی در حوزه داده کاوی در سوئد ادامه داده و تجربیاتی بین‌المللی در حوزه شهرسازی نیز دارد. میلاَد ضیاء در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به حوزه توریسم آرام پرداخته است و سپس پژوهش در این حوزه را به طور جدی پیگیری کرده است. او ام‌شهر را که ترجمه شخصی‌ای از **SLOW CITY** است و هم‌منظور توریسم آرام به عنوان پاسخی در مقابل جهانی‌سازی و یکسان‌سازی می‌داند و معتقد است در ایران پتانسیل‌های بسیار خوبی در حوزه توریسم آرام وجود دارد و دلیل آن را فرهنگ، سنت و عادات غنی موجود در جای جای کشور می‌داند. آنچه در ادامه می‌خوانید مختصری از مصاحبه با او پیرامون موضوع توریسم آرام است.

♦ **با یک خاطره، یک روایت یا نریشن** SLOW TOURISM **یا توریسم آرام چیست را روایت کنید:**

اگر بخواهم توضیح دهم که چرا **SLOW CITY** علاقمند شدم و به تحقیق در این مورد پرداختم، دغدغه من همیشه چگونگی توانمند سازی جوامع محلی بود، در واقع توانمندسازی جوامع محلی برایم بسیار اساسی بود و لازم به ذکر است من این توانمندسازی را با استفاده از سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران بزرگ یا شرکت‌های بزرگ که بدون مشارکت جوامع محلی باشد، نمیبینم، بلکه توانمندسازی ارزشمند است که به ارتقا مردم‌سالاری در آن منطقه کمک کند و در راستای حفظ هویت منطقه آنها باشد. یکی از بهترین مکاتبی که به جد به سنت‌های جوامع محلی احترام می‌گذارد همین میحث **SLOW CITY** باشد. یکی از دستاوردهای انقلاب صنعتی انباشت سرمایه و راهی هموار برای مکتب کاپیتالیسم بود، و به تبع آن به وجود آمدن زنجیره جهانی سازی شدن و دنیای **Fast world** ، که طی این سیر تاریخی، همگن‌سازی‌های فرهنگی عمیقی به وقوع پیوسته است. با پیشرفت تکنولوژی زندگی مردمان جهان راحت‌تر شد اما یک اتفاقی که افتاد این بود که فرهنگ‌ها، عادات و سنت‌های مخصوص به مناطق مختلف رو به افول و فراموشی رفت و همه جا یک رنگ شد.

در حدود دهه ۷۰ و ۶۰ میلادی، جنبش‌هایی به وجود آمدند که بنا داشتند در برابر جهانی سازی و یکسان‌سازی و از بین رفتن سنت‌های محلی قد علم کنند. در این حین یکی از اصلی‌ترین جنبش‌هایی که به وجود آمد **SLOW FOOD** بود. داستان پیدایش این جنبش به این صورت بود که مک دونالد می‌خواست در یکی از میدان‌های قدیمی ایتالیا شعبه بزند، بسیاری از سرآشپزهای ایتالیایی و مردمانی که از آنها حمایت می‌کردند اعتراض کردند. سردمداران این اعتراض که به نوعی باعث شدند این شعبه از مک دونالد بسته شود به فکر بنیانگذاری یک جنبشی با عنوان **SLOW FOOD** افتادند. جنبش **SLOW FOOD** سه تا هدف عملکردی داشت: ۱. ما باید از حق لذت بردن محافظت کنیم، ۲. به ریتم زندگی احترام بگذاریم و ۳. رابطه هارمونیک را با طبیعت حفظ کنیم. یک دهه بعد از به وجود آمدن جنبش **SLOW FOOD** در سال ۱۹۹۹ جنبش **SLOW CITY** به وجود آمد که علاوه بر اهدافی که **SLOW FOOD** داشت موضوع فرهنگ مکانی را نیز مطرح کرده بود. در واقع جنبش **SLOW CITY** یک پاسخ واضح و روشن

## { زیباشهر } توریسم آرام، راهی به سوی توانمندسازی جوامع محلی در مصاحبه با مهندس میلاد ضیاء

در مقابل جهانی شدن بود. در واقع این دو جنبش کاملا مکمل هم بودند که هر دوی آنها از فرهنگ‌های سنتی و محلی و خوش‌گذرانی به نحوی که اقتصاد جوامع محلی را تقویت کند، حمایت می‌کردند. جنبش **SLOW CITY** بر اساس



شش اصل اصلی شکل داده شده است و بعدها به صورت یک منشور پنج‌ه و چهار ماده‌ای ارتقا یافت.

♦ **مرز بین SLOW CITY، SLOW TOURISM وSUSTAINABILITY** **چطور است:**

اگر بخواهیم جمع بندی کنیم، جنبش **SLOW CITY** درواقع زایش یکی از مستحکم‌ترین پاسخ‌های برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری جوامع محلی به جهانی شدن بود. در حقیقت به نحوی ارائه لگوهای کیفی مقابله با جهانی سازی در برنامه‌ریزی شهری می باشد.SLOW CITY قدرت انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری خیره‌کننده‌ای را به جوامع محلی می‌دهد.

همانطور که می‌دانید ما در پایداری سه فاکتور اصلی داریم، محیط، اجتماع و اقتصاد. تمامی مولفه های **SLOW CITY** و **SLOW FOOD** با مقوله پایداری ارتباط نزدیکی دارند.SLOW CITY و **SLOW FOOD** متذکر می‌شود که ما در ارتباط نزدیکی



تمام طول زندگی‌مون یک سرعت بسیار زیادی داریم، بیایید کمی آرام‌تر باشیم. با پیشرفت‌ها و تکنولوژی مخالفتی ندارد اما به اینکه این سرعت نباید کیفیت زندگی و گذران وقت را تحت تاثیر قرار دهد تاکید می‌کند و بر حفظ سنت‌ها، عادات و فرهنگ بسیار تاکید می‌کند.

**SLOW CITY** یک جنبش محافظتی نیست و البته مخالف تکنولوژی هم نیست، جنبشی نیست که بازگشت به گذشته را ترویج دهد، بلکه بر نقش فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی تاکید دارد و سهم عظیمی که بر اقتصاد محلی می‌توانند بگذارند. در واقع **SLOW CITY** یک ابزار است که جامعه محلی به کمک آن از ماهیت خود حراست می‌کند. این ایده نهایتا باعث می‌شود در شهرها حس مکان

## شهرسازی تاکتیکی، اجتماع‌محوری در دل شهرهای امروزی

کرد که اصولا برنامه و مفهوم شهرسازی تاکتیکی با هدف پیشبرد نوآوری، خلاقیت، همکاری و راه‌حل‌یابی خلاقانه،نوآورانه توسط شهروندانی که به محیط پیرامون خود اهمیت می‌دهند ایجاد شده، به شدت به زمینه شکل‌گیری و فرهنگ جامعه میزبان مرتبط و بعضا متصل است.

اگرچه تغییر و تحولات کوچک‌مقیاس شهری موضوعی جدید نیست، اما اصطلاح «شهرسازی تاکتیکی» در دهه اخیر در قالب یک مفهوم شهری

## کیان امروز

حفظ شود و مکان های زندگی انسان محوری به وجود آید.
در خیلی از موارد **SLOW CITY، SLOW FOOD** و **SUSTAINABILITY** اهداف یکسانی دارند. اما یک اختلاف عمده این سه رویکرد این است که پایداری فقط به فکر حفظ منابع بوده، بر مکان گرایی تاکید دارد و با مصرف‌گرایی مقابله می‌کند ولی **SLOW CITY** از تولیدات محلی حمایت می‌کند و به جای تاکید بر مکان یا محیط بر موضوع خود انسان تاکید دارد. پایداری بر آینده تاکید دارد **SLOW CITY** بیشتر از آینده، حال را مدنظر دارد و هدف آن ارتقا کیفیت زندگی جامعه محلی است.

♦ **اگر موضوع SLOW TOURISM** ، **در مرکز باشد، بخواهیم این را به صورت یک مدل طراحی کنیم، یا بسان یک چرخ دنده در نظر بگیریم، موارد منشعب از آن چیست:**

یکی از زیرمجموعه‌های **SLOW CITY ، SLOW TOURISM** است. لازم به ذکر است که موضوع توریسم آرام متاخرتر است و در معنای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها اعم از توریسم پاسخگو، اکوتوریسم، توریسم پایدار است. ایده مقابل **SLOW TOURISM، MASS TOURISM** است چیزی شبیه به آنچه در استان گیلان و مازندران به واسطه توریسم اتفاق افتاده است عموما پیوندی با جوامع محلی مطرح نیست و جابه‌جایی برای رسیدن به مقصد به سرعت و بدون درگیری با فرهنگ و سنت و … اتفاق می‌افتد. توریسم آرام دواصل ضروری را دنبال می‌کند، یکی موضوع زمان که در معنای اهمیت دادن به زمان گذران در مکان مطرح می‌شود و اصل بعدی وابستگی به یک مکان به خصوص در معنای اینکه گردشگر بتواند سبک زندگی مکان به خصوصی را تجربه و درک کند. توریسم آرام فراتر از دیدن صرف است بله درک تمام متعلقات آن مکان است. شاید به نوعی بتوان تعدادی از سفرهایی که به روستاهای قشم صورت می‌گیرد و گردشگرانی را جذب می‌کند که پیاده یا با دوچرخه اطراف جزیره را می‌گردند، سنت‌ها و فرهنگ آن محل را درک می‌کنند و در سفر خود با سبک زندگی جامعه محلی نزدیک و آشنا می‌شوند، نمونه‌هایی از این نوع توریسم به حساب آرد.

♦ **آیا SLOW TOURISM برای همه جا مناسب است؟ در کشورهای هم‌ارز ایران بیشتر جای بحث دارد؟**

توریسم آرام برای تمامی نقاطی که پیوند عمیقی با فرهنگ و سنت و تاریخ دارند، مناسب است. در ایران ظرفیت‌های بالقوه بسیاری وجود دارد، برای حفظ سنت‌ها و فرهنگ‌ها و توانمندسازی و حفظ آنها در جوامع محلی و البته با در نظر گرفتن اقتصاد محلی و ارتقای آن.

♦ **اگر بخواهیم در ۱۴ واحد دانشگاهی این موضوع را تدریس کنیم، سرفصل‌های این موضوع چه چیزهایی باید باشد: ۷ تاپنل ۲ واحدی:**

ابتدا آشنایی با مدیریت حکمروایی شهری **SLOW CITY** و از آن مکاتب پایداری و چستی پایداری، تاریخ **SLOW FOOD** و **SLOW CITY** ، آشنایی با شهرهای **SLOW CITY** در سراسر دنیا و تجربیات موفق مربوط به آن، توریسم آرام و مفاهیم آن، نحوه ارزیابی و اعتبارسنجی مقاصد گردشگری و نهایتا برندیگ مقاصد گردشگری .

**سعیده قرشی، شهر پژوه / استراتژیست نوآوری**

در قرن بیست‌ویکم، ویژگی پاسخگویی شهرها به جمعیت رو به رشد و متنوع، شرایط اقتصادی متفاوت، فناوری‌های جدید و جو در حال تغییر، حیاتی و هویت‌بخش است. اقدامات کوتاه مدت، پروژه‌های مبتنی بر اجتماع‌اجماعت و اهالی مجتمع‌های زیستی آاز حضور در پارک‌های محله‌ای و عمومی گرفته تا شکل‌دهی ابتکارات خیابانی و… به ابزاری قدرتمند و سازگار با فعالان شهری، برنامه‌ریزان

و سیاست‌گذاران و… تبدیل شده، به اعتبار خاستگاه به دنبال ایجاد بهبودهای پایدار در شهر و فراتر از آن ایجاد تطابق با وضعیت در حال گذار هستند. تغییرات سریع و اغلب کم هزینه و البته نوآورانه و خلاقانه، ماهیت «جنبش شهرسازی تاکتیکی» را شکل می‌دهند. ایجاد میداین فعال و یا تبدیل فضاهای مانند پارکینگ‌های شهری به مکان‌هایی برای دور هم بودن و… علاوه بر کسب حمایت عمومی می‌توانند آغاز و البته آزمون‌ی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دائمی باشند؛ البته داستان به اینجا ختم نمی‌شود و این نوع از فعالیت‌ها می‌توانند نقشی الهام‌بخش برای اهبران مدنی در تجربه و شکل دادن فضاهای شهری به شیوه‌ای جدید ایفا کنند. شهرسازی تاکتیکی به تعبیری، گرایش یا جنبشی است به سوی «تعمیر» شهر و خودانجامی **(DI.Y)** در عرصه شهرسازی با هدف ارتقا تجربه زندگی/

زیست شهری/شهروندی از طریق برنامه‌های اقدام و اجرا در راستای بهسازی وضعیت. ویژگی‌های اصلی این نوع پروژه‌ها مشمول او نه محدود] بر مقیاس کوچک، موقتی‌بودن،

کم‌هزینه بودن، سریع‌الاحداث بودن، عدم رسمیت و خوداتکایی بوده، حائز ذاتی مشارکتی و هدایت شده توسط چالش‌ها و نهایتا ظرفیت‌های اجتماعی هستند؛ این رویکردها اغلب توسط معماران، هنرمندان و طراحان شهری خلاق که خارج از محدوده معمول حرفه ای کار می‌کنند، شروع می‌شوند.

**شهرسازی تاکتیکی، حدود و ثغور**

یک «تاکتیک» در معنای استقرائی، در اصل کنشی است که رویدادها را دستکاری کرده، آنها را به فرصت تبدیل می‌کند. بنابراین تعریف می‌توان به روشنی نتیجه گرفت که اهمیت شهرسازی تاکتیکی نه صرفا به دلیل مقیاس کوچک و قابل دسترس بلکه با توجه به ایجاد فرصت و خدمتی به به راه‌اندازی اثرات بزرگ و درازمدت می‌انجامد، برای شهر ضروری است. پروژه‌های عمرانی معمول شهرها مانند استادیوم‌ها، موزه‌ها، پارک‌ها، مراکز همایش و… وقت گیر بوده، به علاوه، موفقیت آنها به طور کلیدی وابسته به حمایت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است؛ در نهایت نیز، مزایای بلند مدت این جنس پروژه‌ها بزرگ و میان مقیاس] با هیچ طریق قابل ضمانت و حتی پیش‌بینی و آزمون نیستند.

هم مقیاس و هم سرعت شهرنشینی جهانی، نیاز فوری به تحقق سریع ادوات تجربه‌های شهری، پیش‌بینی نتیجه به نحوی کم هزینه و همراه با پذیرش عمومی اِبه ویژه در زمینه‌هایی که همزاد با ناپایداری منابع باشند] را ایجاد کرده، چه بسا بتوان نتیجه گرفت که شهرسازی تاکتیکی [در معنای ساختاری خود] با بر مبنای این نیاز فوری شکل گرفته‌است، برای درک حدود و ثغور مفهوم شهرسازی تاکتیکی لازم است چهار عنصر اساسی برای یک پروژه وجود داشته باشند که بدون ترتیب خاصی عبارتند از:

- اجتماع مجور باشد

- موقتی باشد

- کم هزینه باشد

- با نمایشگر (DEMONSTRATIVE) باشد

اجتماع مجوری: مدخل بحث مشارکت شهروندان مستلزم تبیین واژه شهروند است؛ صرف زندگی و فعالیت در شهر آشهرنشینی] از افراد شهروند



مورد توجه قرار گرفته‌است. از آنجا که این اصطلاح جدید است، مطالعات نسبتا کمی در مورد «شهرسازی تاکتیکی» و پیامدهایی که این جنبش در شهرهای امروز دارد، انجام شده است. در این میان، لیدون و گارسیا به عنوان دو صاحب نظر در حوزه شهرسازی تاکتیکی، اقدامات کوتاه مدت را پروژه‌های مبتنی بر اجتماع/جماعت تعریف می‌کنند که به ابزاری قدرتمند و سازگار با فعالان شهری، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تبدیل شده‌است. در کتاب این دو پژوهشگر تاثیرگذار چند ویژگی اصلی بیان شده است که این امکان را معمولا ایجاد می‌کنند تا شهرسازی تاکتیکی به موفقیت برسد؛ یک جنبه اساسی از شهرسازی تاکتیکی، تلاش برای همکاری با شهر و محله در راستای ایجاد تغییرات پایدار است. آنچه که پروژه‌ای را لایق وصف «تاکتیکی» می‌کند هدف آن است و لاجرم مداخله کوتاه مدت باید در چارچوب تحولات بلند مدت تعین یابد. جنبه مطلوب دیگر مداخله تاکتیکی این است که این نوع پروژه‌ها به راحتی در مناطق دیگر شهر یا محله قابل تکرار بوده، از این طریق می‌توانند به الگویی در شهر بدل شوند و به طریق اولی راهبران/حکمروایان شهری در موقعیتی خواهند بود که از منابع محدود خود برای ارزیابی و اعمال بهترین ابتکار عمل استفاده کنند. کتاب لیدون-گارسیا «شهرسازی تاکتیکی، اقدامات کوتاه‌مدت برای تغییرات بلندمدت» بر این نکته تاکید دارد که راهبران/حکمروایان شهرها کمتر به غیررسمی/اسی‌مجوز بودن مداخلات موقت اهمیت داده، بیشتر به شرایط ایده‌پردازانه اساسی و ظرفیت بالقوه تاثیرات آینده‌نگرانه یک تاکتیک توجه دارند……. در مجموع با توجه به نتایج کتاب لیدون-گارسیا چنین می‌توان استنباط کرد که همواره تنش ذاتی بین مداخلات از پایین به بالا و واکنش‌های حکمروایی آاز بالا به پایین،] محل چالش خواهد بود.

ادبیات موضوع شهرسازی تاکتیکی با تاکید بر برنامه‌ریزی در شهرها، موضوع اعمال ابتکار عمل از پایین به بالا را مورد مذاقه قرار داده، نهایتا شهرسازی تاکتیکی را به عنوان میثاقی «در دسترس و زودبازده» برای بهره‌مندی و توانمندسازی جوامع معرفی می‌کند. هنگامی که یک پروژه شهرسازی تاکتیکی توسط شهروندان رسمیت یافت، روح

از طریق ایجاد و بازسازی جامعه/جماعت، عمل می‌کند. این رویکرد در کشورهای متعددی که اتفاقا در حال توسعه نیز هستند به عنوان ابزاری برای بالا بردن سطح کیفی محیط شهری مورد استفاده قرار گرفته، می‌تواند در مقام آیینهای تمام نما فعالیت‌های حمایتی جامعه را منعکس ساخته، نهایتا به مداخله و درگیری هم‌افزا، کُنشگرانه و فعال شهروندان منجر شود.

در طراحی رویدادها در حیطه شهرسازی تاکتیکی مشارکت شهروندان از اهمیت برخوردار است؛ آن هم نه شهروندان منطقه‌ای خاص در شهر، تمام شهروندان در تمام مناطق و محله‌های شهر چه آنجا که بالاشر حساب می‌شود، چه آنجا که با زرق و برقی نو و علمه‌پسند مرکز شهر نام گرفته و چه فضاهای ناب شهری که بی‌دفاع و رها شده باقی‌مانده است.

موقتی و کم‌هزینه بودن: کم‌هزینه و موقتی بودن پروژه‌های شهرسازی تاکتیکی در ذات این رویکرد مستتر بوده، ریسک انجام آنها را به حداقل رسانده، فرصتی برای تمرین ایده‌های مرتبط را در بازه زمانی و هزینه‌ای محدود [بسیار شبیه به عناصر تعریف‌کننده «پروژه»] فراهم می‌سازد. بازنمایانگری **(DEMONSTRATIVE)**: مفهوم «بازنمایانگری» مبین این نکته ساختاری در شهرسازی تاکتیکی است که هدف از منصوبات مضاف بر وضعیت موجود در حین رویکرد تاکتیکی، نمایش چگونگی تاثیر تغییرات کوچک در محیط مصنوع در نیل به بهبود ایمنی، سلامتی و جذابیت بصری یک محله، مکان یا شهر است.

**شهرسازی تاکتیکی، اقدام کوتاه مدت با اثرات بزرگ**

شهرسازی تاکتیکی شامل طیف کاملی از پروژه‌ها با دسته‌بندی‌های متنباین، اشکال متفاوت با ویژگی مقیاس‌پذیری گسترده است؛ این طیف از پروژه‌ها از کنشگری‌های تک نفره آغاز شده تا ساختارهای عظیم مشتمل بر بازیگران و ذینفعان متعدد گسترش می‌یابند. با توجه به تجربیات تاکتیکی در شهرهای مختلف، دسته‌بندی‌هایی برای درک این رویکرد شهرسازانه شکل گرفته‌اند که با وجود قابلیت شمول بر فعالیت‌های مختلف در این وادی، ماهیت شهرسازی تاکتیکی به گونه‌ای است که در مواردی بهتر است فرض کنیم دسته‌بندی قطعی برای آنها وجود ندارد. نهایتا نباید فراموش